

شرق

روزنامه

تالاب میانکاله در شمال ایران این روزها اسیر آتش‌سوزی‌هایی شده است که به نظر کارشناسان عمدی صورت می‌گیرد. عکس: مهدی محبیپور، میزان



تجربه دیگران

در نگاه طالبانی یکی از منابع فساد، وجود زنان است



مجتبی نوروزی

اسلامی در همین راستا تحلیل می‌شود.

دوم، نزاع تمدنی، نگاهی گذرا به خاستگاه بدنه اجتماعی طالبان یادآور دیدگاه ابن‌خلدون در چرخه نزاع بدویت و مدنیت است، ریشه‌های روستایی، آن هم روستاهای دارای ساختارهای متصلب قبایلی و تعارض ذاتی نگرش‌ها در چنین فضایی با جامعه شهری که توسط غربی‌ها در سال‌های اخیر بی‌محایا تحت تأثیر امواج ارزش‌های جامعه غربی قرار گرفته، روز به روز بر شکاف موجود در این منازعه افزوده است، در کنار این نزاع تمدنی باید به نزاع تمدنی پشتون-فارسی هم اشاره کرد؛ موضوعی که در بیش از صد سال گذشته همواره محل بحث‌های جدی به‌ویژه از سوی فارسی‌زبانان بوده است.

سوم، نزاع روایت‌ها، به نظر می‌رسد مهم‌ترین و شاید تنها تحولی که می‌توان به صورت جدی در طالبان امروز مشاهده کرد، افزایش ارزش تبلیغات و پروپاگاندا در نگاه این جریان است. ایشان متأثر از تجربه شکست پیشین خود و نظاره تجربه پیشروی بدون درگیری داعش در عراق و سوریه به فضای تبلیغات روی آورده‌اند. در این نزاع روایت‌ها سه فضای رقابتی بسیار مهم هستند. نخست، روایت طالبان تلاش می‌کند پیشروی‌های بیروزی خود بر آمریکایی‌ها و پیشروی‌های میدانی تلاش می‌کنند هم روحیه سربازان خود را ارتقا دهند و هم روحیه طرف مقابل را تضعیف کنند که به نظر می‌رسد در این مسیر موفق بوده‌اند. دوم، روایت از خواست مردم، در راستای محور پیشین، طالبان تلاش می‌کنند پیشروی‌های سریع و گاه بدون مقاومت میدانی خود را تعبیر به استبدال مردمی از این گروه کنند. طرف مقابل هم تلاش دارد بر وحشت مردم از حضور این جریان در عرصه سیاسی، نظامی و اجتماعی افغانستان تکیه کند. در حاشیه این دو نبرد روایت، روایت بازیگران بیرونی در افکار عمومی مردم افغانستان هم جریان دارد که در جایگاه خود از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اما چرا موضوع زن و نوع نگاه گفتمان‌ها، تمدن‌ها، روایت‌ها و ارزش‌های موجود در ارتباط با این موضوع دارای اهمیت است؟ نخست اینکه نوعی حساسیت جهانی نسبت به این موضوع وجود دارد. این حساسیت تنها حساسیت برآمده از گفتمان حقوق بشر غربی نیست و در همه فرهنگ‌هایی که کرامت انسانی در آنها موضوعیت دارد به‌طور ویژه مورد توجه قرار دارد. بنابراین اگر جریانی متهم به نادیده‌گرفتن حقوق زنان و ایفای ظلم سیستمی به این گروه اجتماعی باشد، برای دستیابی به برتری در نزاع‌های پیش‌گفته دچار مشکل خواهد شد.

دوم، یکی از شاخص‌های اساسی در فهم نزاع سنت و مدرنیته موضوع زن و ارزش‌های مرتبط با این موضوع در ساختار و بافتار اجتماعی است. به طوری که محدود و منزوی کردن زن در هر فرهنگ و گفتمانی و عدم حضور فعال اجتماعی بانوان در آن فرهنگ به معنای دوربودن از فضای نوسازی و توسعه تلقی می‌شود و در نهایت می‌توان به نقش زنان در فرایندهای صلح‌سازی در جهان اشاره کرد. به طوری که امروز مفهوم نگاه زنانه به فرایندهای صلح‌سازی و پرهیز از جنگ و نزاع از نظریات قابل

اعتنا در عرصه روابط بین‌الملل است.

با این مقدمه می‌توان به جایگاه زن در گفتمان اجتماعی طالبان وارد شد. به نظر می‌رسد نخستین دال گفتمانی مرتبط با این موضوع، شیء‌انگاری و نگاه ابزاری به زن است. در این فضا می‌توان به مواردی چند اشاره کرد. این نگاه را باید نگاهی جوهری در ساختار فکری طالبان دانست که تغییر آن منجر به تغییر ذاتی نگاه طالبانی خواهد شد. لذا انتظار تغییر طالبان در این سطح انتظاری دور از واقعیت است.

در راستای این فهم از زن می‌توان گفت نگاهی فرورته به مثابه انسان، جایگاهی ویژه در گفتمان طالبانی دارد که مصادیقی همچون تعیین مهریه‌های مشخص و اجبار در ازدواج را می‌توان به عنوان اسنادی در تایید این نگاه دانست.

دال گفتمانی دیگر که در نظام گفتمان اجتماعی طالبان امروز مشاهده کرد، افزایش ارزش تبلیغات گزاره برآمده از سنت‌های قبیله‌ای که طالبان از دل آن برخاسته‌اند، است. در چنین نگاه و فضای گفتمانی، رویکرد حمایتی مرد از زن در توجیه این نگاه تا جایی تقویت می‌شود که ضرورت سایه محرم بر سر زن در تمام فعالیت‌های اجتماعی امری محتسوم و لازم تلقی می‌شود. در این نگاه مردسالار زن هم باید تحت حمایت یک مرد باشد و دولت هم باید به امور زنان بیوه رسیدگی کند که در فضای کنونی افغانستان امکان اجرای آن نیز زیر سؤال است. افزون بر این در این نگاه اشتغال زنان یکی از علل اصلی بی‌کاری مردان دانسته شده و برای خود دختران سقف تحصیل در نظر گرفته می‌شود؛ موضوعی که در میان‌مدت حتی در نظام اجتماعی مدنظر طالبان، جامعه را با بن‌بست مواجه می‌کند. کمبود زنان در مشاغل مجاز از نظر طالبان به‌ویژه در حوزه بهداشت و درمان یکی از این بن‌بست‌ها خواهد بود. در نهایت از این دال گفتمانی گزاره عدم حق رهبری برای زنان بیرون خواهد آمد.

در نهایت باید به گزاره فسادستیزی به عنوان یکی از دال‌های مرکزی گفتمان اجتماعی و سیاسی طالبان اشاره کرد. گزاره‌ای که به نظر می‌رسد شکل‌گیری و تداوم حیات این گروه به بازتولید آن در ساختار شعارهای طالبان بستگی مستقیم دارد. اما آنچه این دال گفتمانی را به موضوع زن گره می‌زند آن است که در نگاه طالبانی یکی از منابع فساد چه در ساختار اجتماعی و چه در ساختار سیاسی وجود زنان است و چهره زن منبعی مهم برای فساد برشمرده می‌شود. در چنین فضایی است که موضوع پوشش حتی فراتر از موازین دین مقدس اسلام اجبار شده و شدت در اعمال مجازات‌های مرتبط با این حوزه مشاهده می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت نگاه طالبان به موضوع زن نه‌تنها تغییر نکرده بلکه بر اساس مشاهده تجربیات دو دهه گذشته از زاویه دید خود، تشدید هم شده است و نمی‌توان با اتکا به اظهارات مبهم برخی از رهبران و ختنگویان طالبان به گزاره تغییر این گروه در این موضوع رسید. افزون بر این باید توجه داشت که این موضوع در منازعات مورد اشاره در افغانستان جایگاهی مهم دارد و نوع روایتی که از موضوع زن در نگاه طرفین درگیر در منازعه افغانستان می‌شود، می‌تواند در صحنه میدانی اتحاد و ائتلاف‌های سیاسی مؤثر باشد.

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۰ ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ ۷ آگوست ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۴۰۶۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۲

اذان صبح فردا ۴:۴۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

سلام به فردا

مخالفت با تغییر کاربری نماد ۹۰ساله

حفاظت از حافظه ملی ایرانیان رسالت سازمان اسناد و کتابخانه ملی است

با تحولات به‌عمل‌آمده و احداث ساختمان معظم و جدید کتابخانه ملی در اراضی عباس‌آباد که الحق از افتخارات فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی است، بنا شد که ساختمان قدیم، هویت کتابخانه‌ای خود را حفظ کرده و مانند موارد مشابه در سایر کشورها با آن رفتار شود؛ مانند فرانسه که پس از افتتاح ساختمان جدید در سال ۱۹۹۵ میلادی، ساختمان قدیمی خود در خیابان ریشلیوی ناحیه دو پاریس را کامکان حفظ کرده و هر دو ساختمان به‌عنوان کتابخانه به روی مراجعان باز است و خدمت‌رسانی می‌کند. به‌تازگی زمره‌هایی از جانب سازمان میراث فرهنگی برای تصرف این بنای تاریخی و تبدیل آن به موزه یا کاربری‌های مشابه مطرح شده است. دست‌اندرکاران کتابخانه ملی ایران در کنار استادان، اعضای هیئت علمی و کارکنانی که بعضا سال‌های زیادی از عمر کاری خود را در این فضای فرهنگی به سر برده‌اند، با هرگونه تغییر کاربری مخالف هستند. کثیری از اهالی فرهنگ، نویسندگان و محققانی که در سال‌های نه‌چندان دور از مراجعان کتابخانه ملی بوده‌اند، خاطرات زیادی از آنجا دارند و بعضا کارت‌های عضویت خود را در بین مدارک بالارزش خود نگهداری می‌کنند. این‌جانب نیز قاعداً با تصمیم‌هایی از این دست مخالف بوده و بر حفظ هویت کتابخانه‌ای این یادگار حدوداً ۹۰ساله در قلب تهران اصرار می‌ورزم؛ چراکه حفاظت از اسنیا را بخش کوچکی از میراث فرهنگی و حافظه ملی ایرانیان می‌دانم و اصل را بر کتاب و سند می‌شاسم. این یادداشت برای اطلاع‌رسانی به اصحاب دانش و تمام کسانی است که نسبت به سازمان اسناد و کتابخانه ملی احساس تعلق خاطر دارند.

•رئیس سازمان اسناد

و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این تعرض مصصون مانده تا جایی که در دوران جنگ هشت‌ساله که تهران بمباران و موشک‌باران می‌شد، برای حفظ آثار مکتوب آنها را از ساختمان کتابخانه ملی به مخازن بانک مرکزی منتقل کردند. جمهوری اسلامی که مدعی فرهنگی‌ترین و ایدئولوژی‌ترین حکومت است، قاعدتاً باید بیش از هر زمان دیگری به حفظ این آثار و محافظت از نماد آنها که همان ساختمان کتابخانه ملی واقع در خیابان ۳۰ تیر است، بپردازد.

این کتابخانه که به دست معمار و باستان‌شناس شهیر فرانسوی، آندره گدار (۱۸۸۱ – ۱۹۶۵) طراحی و ساخته شد، میراث‌دار کتابخانه عمومی معارف و کتابخانه دارالفنون بود و از همان ابتدای تأسیس به‌عنوان مکانی برای مراجعه اهل علم و حضور نخبگان فرهنگی جامعه شناخته شد. علی‌اصغر حکمت، مهدی بیانی، مجتبی مینوی، ایرج افشار، عباس زیراب‌خویی، سیدعبدالله انوار، مهدی محقق و محدث ارموی نمونه‌ای از بزرگان و نام‌آوران فرهنگ این مرز و بوم هستند که اوقاتی از عمر پربار خود را در این کتابخانه به سر برده‌اند و نام آنها همچنان بر تارک ساختمان کتابخانه ملی می‌درخشد. ساختمان کتابخانه ملی در کنار وظیفه اصلی خود در ارائه خدمات به مراجعان، محل برگزاری جلسات متعدد و انجمن‌های معتبری بود که فرهیختگان و استادان پرآوازه‌ای در آن شرکت می‌کردند. از آنجا که بنای کتابخانه ملی از ابتدا به‌عنوان ساختمانی مستقل شناخته می‌شد و در منظر و مرآی عمووم مردم قرار داشت (برخلاف کتابخانه مجلس یا کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در دل مجموعه بزرگ‌تری قرار دارند)، خیلی زود به‌عنوان نماد کتابخانه در کل ایران درآمد؛ به نحوی که تصویر آن در قالب کارت‌پستال بناهای دیدنی تهران به چاپ رسیده بود.



اشرف بروجردی*

ملت‌ها را با فرهنگ و میراث ماندگارشان تعریف می‌کنند؛ میراثی که جای پای آن در تاریخ دیرینه هر سرزمین نهفته است. ایران ازجمله کشورهایی است که ماندگارترین، قدیمی‌ترین و فرهنگی‌ترین آثار را در خود جای داده است، چه آثار فیزیکی و چه آثار نوشتاری و سندی، اما اندیشه و باورها را تنها از خلال دست‌نوشته‌ها و مکتوبات می‌توان به دست آورد و آنچه نماد فرهنگ است با دست‌نوشته‌ها عرضه و معرفی می‌شود. اما هویت شهرهای بزرگ را ساختمان‌ها و بناهایی شکل می‌دهد که علاوه بر عرضه نمادین معماری و هنر عصر خود، بازگوکننده خاطرات و تحولات گوناگون حیات خود به شمار می‌آیند. در این بین ساختمان‌هایی که مورد استفاده و مراجعه عموم بوده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند؛ به‌ویژه آن گروه که در زمره ابنیه فرهنگی طبقه‌بندی می‌شوند؛ مانند مدارس و دانشگاه‌ها، سینماها، کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها. کلان‌شهر تهران که از عمر پایتختی آن دو قرن می‌گذرد، متأسفانه از حیث حفظ و نگهداری ابنیه تاریخی و هویت‌ساز خود، موقعیت چندان مساعدی ندارد. رشد و گسترش بی‌رویه شهر در عصر پهلوی دوم و تخریب بسیاری از ساختمان‌های قاجاری و نمادهای معماری گذشته، مانند دروازه‌های دوازده‌گانه شهر، بخش مهمی از تاریخ زنده تهران را دستخوش نابودی کرد. روندی که در سال‌های بعد نیز کمابیش ادامه یافت، اما خوشبختانه کتابخانه ملی به علت برخورداری از حافظه ملی از

روزها

خبرنگاری در زمانه بی‌اعتباری

گیسو ففغوری

واکنش‌های منفی بسیار روبه‌رو می‌شود. با این وضعیت و بنا تغییر دولت به جلوی می‌رویم. درحالی‌که طرح محدودکننده «صیانت از شبکه‌های اجتماعی» تصویب شده است، آن هم در حالی که برای اولین بار حدود یک میلیون نفر چیزی را درخواست کردند، آن هم از نماینده‌های مجلسی که برخی از آنان تعداد رای‌هایشان ۲۰ تا ۱۰۰ هزار رای است. آنان درصدد هستند اینترنت را ملی کنند و یکی از مسئولان نظامی کشور در تایید این طرح، مخالفانش را نه مردمی از ایران، بلکه منافق و عده‌ای خارج‌نشین نامید. از این‌رو بسیاری از هنرمندان و روزنامه‌نگاران از جناح‌های مختلف و اهل سیاست ازجمله رضا کیانیان، رضا خاتمی، شهیندخت مولاوردی و دیگران نوشتند که ما از داخل ایران، از مرکز تهران، مشهد و... مخالف تصویب این طرح هستیم؛ هرچند قرار نیست صدایشان شنیده شود. قرار نیست تغییری در طرح پیش بیاید. از این طرح، کار بسیاری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، سخت و سخت‌تر خواهد شد. آنان که از ارتباط با جهان جدا می‌افتند و در عین حال، با کاهش مرجعیتشان، خبرها و سخنانشان کمتر مورد توجه قرار خواهد گرفت و در عین حال مورد تردید خواهند بود. مدام در معرض این پرسش هستند که آیا نقش بلندگو را دارند یا اندکی واقعیت نیز در مطالبشان وجود دارد. محدودیت‌هایی که نهادهای صنفی و مراکز خبری در حمایت از خبرنگارهایشان دارند، شرایط را برای آنان سخت‌تر خواهد کرد. دوراهی اقتصاد و ادامه راه یا بازگویی تمام واقعیت، مسئولیتی است که بر عهده صاحبان و مسئولان رسانه خواهد بود و از سوی دیگر خبرنگاربودن در زمانه تردیها و همه‌ها، دشوار و دشوارتر به نظر می‌رسد.

خبرنگار، اگر بخوایم مرور کنیم که در این یک سال چه گذشت و کجای کار هستیم، چند نکته مشهود است. سالی که زیر سایه کرونا، تجمعات، اعتراضات، بی‌آبی‌ها، رای‌ندادن‌ها، مشکلات مالی، جنبش من هم، اتوبوس مرگ (کشته‌شدن دو خبرنگار در حادثه)، طرح صیانت از فضای مجازی، شکایت مدام مجلس از خبرنگاران (که منجر به دادگاهی‌شدن یا استعفاي آنان شد)، افزایش حملات سایبری و همچنین انتقال مرجعیت رسانه‌ای از ماهواره‌های فارسی‌زبان و... گذشت. در زمانه‌ای که در گردونه اتفاق‌ها هستیم و از هر طرف آن چنان بر سرمان فرود می‌آید که امکان سرب‌بالاوردن و صاف‌ایستادن را نمی‌دهد، باید خیلی قوی بود تا نشکست و از خبرنگاری منصرف نشد. شکل روزنامه‌نگاری و خبرنگاری هم عالی‌جناب سرخپوش و سپاه‌پوش نوشته می‌شد، اما به دنبال روشنایی و اصلاح بود. از آن روزها ۲۴ سال گذشته است، سال‌هایی پر از اتفاق. همه جور حادثه‌ای را پشت سر گذاشته و می‌گذاریم. زمانی در اندوه کوی دانشگاه و پرت‌کردن دانشجویان از خوابگاه و کورشدن چشم نفر اول کنکور تجربی بودیم و زمانی درباره علی‌جناب سرخپوش و سپاه‌پوش نوشته می‌شد، اما حالا در زمانه‌ای قرار داریم که با ۲۸۰ کلمه، مهم‌ترین خبرها اعلام می‌شود؛ تصاویر بزرگ‌ترین آتش‌سوزی یا انفجار هواپیما به‌سرعت توییت می‌شود، هر کسی با تلفن هوشمندش می‌تواند از درون حادثه، رای، نظر و مشاهده‌اش را منتشر کند. در زمانه‌ای هستیم که شبکه‌های اجتماعی، پادکست‌ها و... طرفداران بیشتری از رسانه‌های مکتوب دارند. البته بسیاری از ما خبرنگاران با این ابزار جدید آشناییم، تعداد زیادی از اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی را همکاران خبری تشکیل می‌دهند. رسانه‌های مکتوب و رسمی شاید نتوانند بخشی از خبرها را منتشر کنند اما هرکس برای خود رسانه‌ای است مستقل. هرچند همین دغدغه مورد توجه قرارگرفتن، گاهی سبب شده تا صحت خبر زیر سؤال برود. گاهی خبرها دستکاری شده و بر اساس بخشی از آن تحلیل می‌شود. این روزها و در آستانه روز

چهره هفته

نصرا لله پژمانفر با این اظهارنظر چهره هفته «شرق» شد؛

طرح صیانت ۱۰ میلیون شغل ایجاد می‌کند



طرح صیانت از فضای مجازی همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایرانی‌هاست؛ به‌ویژه اینکه دامنه اظهارنظرهای متفاوت و متناقض درباره آن باعث شده تا شبهات فراوانی درباره آن و کیفیت اجرای احتمالی‌اش به وجود بیایید. نصراالله پژمانفر، عضو جبهه پایداری و طبیعتاً یکی از موافقان این طرح اما در این هفته با اظهارنظری متفاوت از دیگران کوی سبقت را ربود و به‌عنوان چهره هفته «شرق» انتخاب شد. نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و طراح طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی گفت: در صورت اجرای این طرح ۱۰ میلیون اشتغال امن و پایدار ایجاد خواهد شد. درحال‌حاضر حدود صد هزار شغل در فضای مجازی وجود دارد که پایدار نیست اما در صورت اجرای طرح صیانت این اشتغال پایدار خواهد شد. پژمانفر همچنین گفت: در صورت اجرای طرح صیانت، کیفیت خدمات اینترنت